

متن پرسش

سلام: با کلی آره یا نه که بگویم یا نگویم، یا اصلا چجوری بگویم. گفتن ندارد. همانند برکه ای که روزی زلال بوده و تا حال که کوه برف انبار دست از نجوا و اشک ریختن کشیده. داستان این گونه است: من هستم، کسی که در طی ۳ سال اخیر تا چند ماه پیش حرف های طاهرزاده را به گوش آویزان کرده بوده است. از زمان زن زندگی آزادی پاسخ شما به عکس العمل جوانانی که خود شما ها در آموزش و پرورستان... شما حرفتان چه بود؟ حتی نمی گوید این ها چه می خواهند چرا به خیابان آمده اند؟ سریع کمبود دین و حمد می کنید در آنها. از این به بعد می نویسید جمهوری اسلامی می خوانیم رژیم غاصب جمهوری اسلامی. ایران کورش کبیر شده ایران امام رضا! خاکی به ارزش مردمان طلا زیست. مردمان از جنس کورش. طاهرزاده مگر تو از این خاک نیستی؟ سوال من این است چگونه توانسته اید اصالت خود را نادیده بگیرید؟ اشکال ندارد پارس را به اعراب بفروشید. « صعودی فقط عرب نیست» (خمینی، خامنه ای) هم عرب هستید. اما و هزار اما که باید بگویم تاریخ نشان داده که کسی خاک دیگری را برای منافع خود تسخیر کرده است، برای این خاک نیست و باید برود. سپاه اگر خیلی خوب این خاک را می خواست می آمد و بجای خرج کردن برای هوا کردن ۳۰۰ موشک تا تل آویو، مدرسه ای با امکانات بنا می کرد تا جوانان بتوانند بدون دقده پیشرفت کنند. چون او با ۳۰ موشک هم کارش راه می افتاد. ولی باید بگویم که در این عصر مظلوم تر از ملت و خاک ایران نیست و نبوده، همچنان فلسطین... حرفی نیست اما چرا خیانت؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به گفته جناب آقای دکتر شایگان، این خرد خسروانی بود که متوجه عظمت و حقانیت عمیق ترین لایه اسلام شد و اسلام را در قالب تشیع از جان و دل پذیرفت و به یاری حضرت علی «علیه السلام» این انسانی ترین انسان برآمد. پس ایران، اسلام را پذیرفت و ایران، یعنی اسلام با نمادی چون سلمان فارسی. موفق باشید